



مسکونی می کند و متواتر می شود.
سرهنگ محمدی با بیان این که در این حادثه پس از ۹ ساله بر اثر شدت جراحت
در دم فوت والدین و دیگر برادرش متروک و راهی بیمارستان می شوند، عنوان
کد: تلاش رباء، دستگیری، متهم متواتر، ادامه دارد.

تلنگر

کریخوانی مرگبار
در لایو اینستاگرام

سه مرد که به خاطر کری خوانی در لایو اینستاگرام باعث قتل پسری جوان و نابینایی جوان دیگری شده بودند، در آخرین دفاع درخواست بخشش کردند. به گزارش خبرنگار جام جم، آذر سال ۹۷ صدای شلیک دو گولوله در یکی از محله‌های پیشوای پیچید. اهالی وقتی از خانه‌های خود بیرون آمدند، شاهد درگیری چند پسر جوان بودند. کامران ۲۸ ساله در این درگیری بهشدت زخمی شده بود که پس از انتقال به بیمارستان جان باخت. یکی از افراد حاضر در این درگیری نیز از ناحیه چشم چپ نابینا شد.

با گزارش پژوهشگاه قانونی مشخص شد، کامران با ضربه‌های قمه و شلیک گلوله به قتل رسیده است. با شناسایی افراد حاضر در این درگیری پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و متهمان در شعبه دهم محاکمه شدند. متهمان در نخستین جلسه رسیدگی به پرونده اعلام کردند این درگیری به خاطر یک لایو اینستاگرام رخ داد و کل کل های این لایو باعث درگیری دست جمعی شد. دوستان مقتول دعوا را شروع کردند و ماتیرهوابی شلیک کردیم. پس از دفاعیات سه متهم پرونده، دادگاه تجدید شدت در جلسه دوم آخرين دفاع آنها اخذ شود که در این جلسه هم متهمان درخواست بخشش کرده و مدعی شدن قصدى برای قتل نداشتند. پس از آخرین دفاع متهمان و با توجه به درخواست قصاص از سوی اولیای دم، قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

دستگیری قدیمی‌ترین
کف، قاب تهران

رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ از دستگیری موبایل قاپ، ۵ ساله و قدیمی ترین سارق تلفن همراه و کف در تهران خبر داد. به گزارش جام جم، سرهنگ جلیل موقوفه‌ای گفت: با توجه به وقوع چند فقره موبایل قاپی در محدوده کلانتری آبادان، تیم عملیات این کلانتری اقدام به جمیع آوری سرنخ و تصاویر دوربین‌های مداربسته برای شناسایی و دستگیری متهم کرد. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد، این موبایل قاپی‌ها نوتسیپیکی از قدیمی ترین سارقان کیف‌قاپ و موبایل قاپ تهران در حال انجام است. پس از دریافت دستور از مقام قضایی، با مراجعه به منزل این سارق، وی را بازداشت کردند. موقوفه‌ای بالشاره به کشف حدود ۲۷ تلفن همراه و تبلیغ مسروقه از منزل این متهم گفت: متهم اقرا کرد این اموال سرقته را در چند روز اخیر در مناطقی همچون نیاوران، دریند تا آبادان سرقت کرده و به بیش از ۳۰ فقره موبایل قاپی اعتراف کرد. متهم متولد سال ۱۳۴۹ است و از قدیمی ترین کیف‌قاپان و موبایل قاپان تهران محسوب می‌شود اکنون نیز به دلیل سن بالا، بیشتر ترک موتورسیکلت نشسته و با اغفال افراد جوان و آموزش موبایل قاپی به آنها، اقدامات مجرمانه خود را انجام می‌دهد.

۳۷۱۲ سودوکو

	ב				ד	
ו	נ		ב		כ	נ
	כ		ו	ו	ו	
	ו	כ		נ		
ס			ו		נ	
		ו		ס	כ	
	ב	ו			ו	
ו	ו	ו			ו	ו

	א			ב
ג	ה		מ	ס
	כ		ו	ם
	ד	ב	ל	
ט			מ	ח
		ו	ס	ל
	ה	מ	ט	
כ	ו		ב	ל

	א					ה
ה	ו		ו		ו	ו
	ו			ו	ו	
	ו	ו	ו	ו	ו	
ו				ו	ו	ו
		ו	ו	ו	ו	ו
ו	ו		ו		ו	ו
ו				ו	ו	ו

محاکمه زنی که با ادعای دفاع مشروع، همسرش را خفه کرد

شوهرکشی باروسی

گفت: وقتی با حبیب ازدواج کردم سنم کم بود اما به خاطر فقر خانواده‌ام مجبور شدم به این ازدواج تن دهم. فکر می‌کردم با تولد فرزندانمان وضعیت بهتر شود اما شوهرم تغییری در رفتارش نداد. روز حادثه هم اگر او را نمی‌کشتم او مرا می‌کشت. وقتی صورت حبیب کبود شد، از ترس با اورژانس تماس گرفتم اما دیر شده بود.

قضات بعدازرسیدگی به این پرونده دفاعیات زن جوان را قبول کرده و او را به پرداخت دیده و تحمل حبس محکوم کردند. با اعتراض دختر مقتول، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد که قضات دیوان رای را نقض کرده و پرونده را برای محکمه دادگاه بازگرداند که اعظم این بار در شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شد. در این جلسه دختر بزرگ مقتول همچنان درخواست قضاص داشت.

اعظم هم در دفاع از خود گفت: دختر مقتول در خانه دیگری زنگی می‌کند و با این که می‌داند پدرش مرد بداخل قبور اما حاضر بیهوده گشته نیست. بعد از این ماجرا در فرزندم آواره شده‌اند. من قصد کشتن همسر را نداشتم و برای دفاع این کار را کردم. اگر خانواده‌ام از من حمایت می‌کردند، من توائیست از شوهرم جدا شوم و این اتفاق تلخ خ نمی‌داد.

پس از دفاعیات متهم و کیل مدافع شفعت قضات برای تصمیم‌گیری وارد شور شدند.

به گزارش خبرنگار جام جم، رسیدگی به این پرونده از شامگاه چهارم دی سال ۹۷، با قتل مردی در حوالی کوهسار تهران آغاز شد. اعظم ساله که همسر دوم این مرد است، در بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراض کرد و گفت: حبیب بسیار عصبی بود و همیشه سر هر موضوعی تک کاری راه می‌انداخت. آخرین بار حبیب بادختر کوچک درس کار می‌کرد که شروع به فحاشی کرد و دختر را تک زد. او فحش‌های رکیکی به دخترم داد، از رفتار او عصیانی شدم و به اعتراض کردم اما حبیب دست بردار نبود. او به سوی من حمله کرد تا مرا تک بزند. او حتی به سمت آشپزخانه رفت و چاقوی آشپزخانه را برداشت. همان موقع دعوا میان ما بالا گرفت و وقتی حبیب به خاطر تنگی نفس روی مبل افتاد، روسری را دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم. با تکمیل تحقیقات پرونده برای محاکمه به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد و در این جلسه دختر بزرگ مقتول برای نامادری اش درخواست قضاص کرد. در ادامه هم اعظم اعترافات قبلی خود را تکرار کرد و

سوءقصد ناکام به جان مدیر آموزش و پرورش قرچک

فرماندار شهرستان قرچک گفت: ضارب سرپرست آموزش و پرورش قرچک که به وی تیراندازی کرده بود، توسط عوامل انتظامی و امنیتی شناسایی شد و تحت تعقیب قرار گرفت. بهمن خطیبی به این رأی گفت: پیش از ظهر دوشنبه، فردی با ورود به اداره آموزش و پرورش قرچک، سرپرست این اداره را با اسلام‌آباد مساعده اعلام شده است.

فقره آتش سوزی منزل منجر به فوت در یکی از روستاهای شهرستان شیراز به علت اختلاف مالی، مرگ پسر^۹ ساله و مجروه شدن سه نفر دیگر را رقم زد.
سرهنگ کاووس محمدی، معافون اجتماعی پلیس استان فارس در تشریح این خبر به جام جم گفت: در پی اعلام مرکز فوریت های پلیسی^{۱۰} مبنی بر وقوع یک

جستجوهابراییافتنهنورد
اهماندهاست

۷۰ روز بی خبری از معین

A portrait of a man with dark, wavy hair and a well-groomed beard and mustache. He is wearing a purple crew-neck t-shirt and a brown beaded necklace. The background is a dense, green forest with sunlight filtering through the leaves.

اما معین در جاده اصلی و در مسیر پیاده روی شهروندان مفقود شده و به طور کامل با منطقه آشنا بوده است.

پس از آن، تقریباً پرونده جوان گم شده کردکویی به بوته فراموشی سپرده شد و گاهی خبری کوتاه در مورد آخرین وضعیت او منتشر نمی شد. دربروز با پدر معین تماس گرفتیم تا در مورد وضعیت پرونده او توضیح دهد.

لحن پدر، پراز نامیدی است و جملاتش را با فعل و بی فعل تمام می کند. نعمت شریفی با آبه بلندی می گوید: «هیچ خبری از معین نداریم و نمی دانیم کجاست. پیلیس همچنان به دنبال سرنخی از پسرم است، اما وقتی پرس و جو می کنیم، جواب درستی به مان نمی دهد و می گویند اگر سرنخی از پسرت پیدا کردیم، اطلاع می دهیم. دیگر جایی نمانده که دنبال اون ذکشته باشیم. تمام جنگل و کوه و هرجایی که احتمال می دادیم رفته باشد را جست و جو کردیم، اما کوچک ترین رد و نشانی از او نیست. شاید بعضی ها برای پیدا کردن گمشده شان از فضای مجازی کمک بخواهند و شماره تلفن بدنهند، اما به نظر خودم این کار ضروری نیست و پیلیس سرنخی پیدا کند یا به مظنونی مشکوک شود، به ما اطلاع می دهد. آرزویم این است معین او بالآخره صحیح و سالم پیدا شود».

«صبرکن، من تائیم ساعت دیگه می رسم. دارم راهی افتتم، این آخرین جمله ای است که معین غروب سه شنبه ۲۵ شهریور ماه در تماس تلفنی به شاگرد مغافه عطاوی گفته بود. پس از آن دیگر هیچ خبری از او نشد. پس از گذشت ۶۰ روز از ناپدید شدن معین شریفی، جوان اهل کردکوی که برای پیاده روی به جنگل های کردکوی رفته بود، هنوز هیچ سرنخی از او پیدا نشده است.

در حالی که جست و جو ها دادمه داشت، پرونده ای برای ناپدید شدن معین در پیلیس آگاهی استان گلستان تشکیل شد. سرهنگ مجتبی مرتوی، رئیس پلیس آگاهی استان درخصوص این پرونده گفته بود: «تاکنون سرنخی از کوهنورد گمشده در جنگل های شهرستان کردکوی به دست نیامده و فرضیه ها همچنان در دست بررسی است».

دیگر امیدها برای پیدا کردن معین کمنگ شده بود، تا جایی که با اعلام رئیس جمعیت هلال احمر شهرستان کردکوی، ۱۲، امهر ماه، آخرین روز عملیات برای پیدا کردن جوان گمشده کردکوی اعلام شد.

او در اظهار نظر نهایی خود در مورد پرونده معین گفته بود: «اتفاقی که برای معین رقم خورده با آجره برای خانم سهارضانی اتفاق افتاد، متفاوت است. خانم رضانژاد در یک محل مرتفع بود و نسبت به منطقه شناخت نداشت و همین عدم شناخت سبب شد آن حادثه تلخ رقم بخورد،

نفجار گاز پیک نیکی در خانه باغ ۴ مرد را کشت

میزانہ باطuum انفعاً

نحوت عاشة، شکست خوده از میگ

پسر جوان که به خاطر شکست عشقی قصد خودکشی داشت، پس از صحبت با مشاوران کلانتری از تصمیمش منصرف شد. به کارش خبرنگار جنایی جام جم، ساعت پنج صبح دیروز سوم آذر مسال، یکی از امماهون کلانتری تهران نوباتی محمد جواد شفیعی، بازپرس کشیک قتل دادرس رای جنایی تهران تلفنی تماس گرفت و خبرداد پسر جوانی قصد دارد با حلق آویز کردن خود به زندگی اش پایان دهد. در ادامه تبیی از مشاوران کلانتری و گوهی از مددکاران اورزان اس اجتماعی برای گفت و گو با پسر جوان و منصرف کردن او از اقدام به خودکشی راهی بوسنانی در نزدیکی کلانتری شدند. آنها ماهده کردند پسر جوان طناب به کردن خود انداخته و آن را در رخت آویزان کرده از حاضران می خواهد ازا و فاصله بگیرند. او مدام تهدید